

سپري براي سفير مهدي

عجل الله تعالى
فرجه الشريف



مرحوم سيد حسن حمامي رحمته الله عليه آثار و تبعات ايمان به اين دعوت مبارك مهدي را به دوش كشيد و در پي آن در اثر هر كلمه اي كه گفت و هر اعتراضی كه نسبت به احزاب فاسد و مجرم عراق مطرح كرد، از سوي طواغيت متحمل اذيت و آزار شد. او به خاطر من و به خاطر كلام و گفته هاي من، رنج و زحمت بسياري را به دوش كشيد و حقيقتاً اين مسئله مرا هميشه و بسيار زياد رنج مي دهد. هيچ گاه ماييل نبوده ام هيچ كسي به خاطر من آزار ببيند، مخصوصاً سيد حسن حمامي؛ اما امر از آن خداست و آن را به انجام مي رساند. خدا رحمتت كند ابا مرتضي...

سید احمد الحسن کیست؟

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری علیه السلام است. ایشان وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است و برای هدایت و زمینه سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخرالزمان نزد اهل سنت که رسول الله صلی الله علیه و آله بشارت تولد ایشان را داده اند و نیز فرستاده ای از سوی حضرت عیسی علیه السلام و حضرت ایلیا علیه السلام برای مسیحیان و یهودیان است. ایشان دعوت الهی خویش را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی علیه السلام، در سال ۱۹۹۹ در نجف اشرف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی همچون دعوت رسول الله به همه جهان انتشار یافت. سید احمد الحسن علیه السلام برای اثبات حقانیت خویش، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می کنند: این قانون از سه اصل تشکیل می شود:

۱. نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول الله صلی الله علیه و آله را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است.

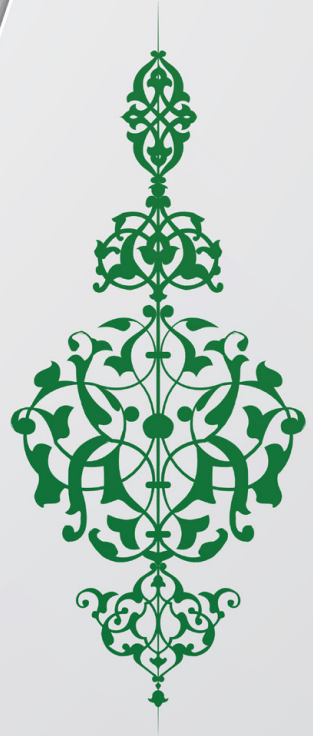
۲. علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده و با آن، همه علمای ادیان و بزرگان الحاد را به تحدی فراخوانده اند.

۳. پرچم البیعة لله (دعوت به حاکمیت خدا)

ایشان یکی از اوصیای رسول خدا صلی الله علیه و آله است که در وصیت آن حضرت در زمان وفاتش به وی تصریح شده است: از اباعبدالله جعفر بن محمد از پدرش امام باقر از پدرش صاحب پینه ها زین العابدین از پدرش حسین زکی شهید از پدرش امیرالمؤمنین؛ که فرمود: «...ای ابالحسن، صحیفه و دواتی حاضر کن؛ و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله وصیتش را املا فرمود تا به اینجا رسید که فرمود: ای علی، پس از من دوازده امام خواهند بود و پس از آن ها دوازده مهدی. ای علی، تو نخستین دوازده امام هستی... و ایشان دوازده امام اند و سپس دوازده مهدی خواهد بود... پس اگر زمان وفاتش رسید، آن را [خلافت] به فرزندش، نخستین مهدیین تسلیم کند که سه نام دارد، نامی مانند نام من و نام پدرم که عبدالله و احمد است، و نام سوم مهدی است و او اولین ایمان آورندگان است.»

سیدالمرحوم

فهرست



- ۳.....سربازی که به تنهایی سپاهی شد برای امامش
- ۶.....فضایل اخلاقی سید حسن حمامی رحمته الله علیه
- ۱۰.....علمای میدان عمل
- ۱۲.....سید حسن حمامی در نگاه شیخ ناظم العقیلی
- ۱۴.....غلام منتظر احمد الحسن
- ۱۵.....سید طاهر

هفته نامه زمان ظهور

ویژه نامه سید طاهر، جمعه ۱۲ شهریور ۱۴۰۰،
۲۵ محرم ۱۴۴۳، ۳ سپتامبر ۲۰۲۱
صاحب امتیاز: مؤسسه وارثین ملکوت

راه های ارتباطی:
www.zamanezohoor.com



هر گونه برداشت از هفته نامه با ذکر منبع بلامانع است.

زمان ظهور منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات
سازنده شما عزیزان است.

الحمد لله رب العالمین
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين



حکایت دلاورِ شجاع

سربازی که به تنهایی سپاهی شد برای امامش

نیازی به معرفی سید حسن حمادی رحمته الله نیست؛ زیرا اندک افرادی یافت می شوند که این سید طاهر مقدس را شناسند، چه از مؤمنان و چه از مخالفان! روحانی بزرگی که برای امام خود، زندگی آرام و مرفه خود را رها کرد، زمانی که امام جماعت حرم امیرالمؤمنین علیه السلام و دفتردار پدر بزرگوارش بود؛ او غربت و توهین و تحقیر در دنیا را برگزید تا خالص و مخلص به سوی پروردگارش رستگار شود. گویی دنیا محل تحقیر پاکان و تمجید ریاکاران و علمای بی عمل است...

دستگیری او نیابند! گناه آن پیر عالم فقط این بود که به وصیت شب وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و اولین مهدیین علیهم السلام لبیک گفته بود، و از زبانش جز قرآن و روایات اهل بیت علیهم السلام چیز دیگری جاری نمی شد!

جایگاه سید طاهر مقدس نزد حجت خدا

سید احمدالحسن یمانی رحمته الله بارها و بارها از فضیلت های سید حسن حمادی رحمته الله سخن به میان آورده است. ایشان پس از درگذشت سید حسن حمادی رحمته الله در گروه تلگرام «الدعوة المهدویه» با بغض فرمود:

سید حسن حمادی رحمته الله به خاطر من و به خاطر کلام و گفته های من، رنج و زحمت بسیاری را به دوش کشید و حقیقتاً این مسئله مرا همیشه و بسیار زیاد رنج می دهد. [همراه با بغض:] هیچ گاه مایل نبوده ام هیچ کسی به خاطر من آزار ببیند، مخصوصاً سید حسن حمادی؛

مخالفان دعوت یمانی رحمته الله او را به خوبی می شناسند و از آنجا که ایمان او تبلیغ بزرگی برای دعوت یمانی رحمته الله بود از همان ابتدا به ترور شخصیتی او پرداختند. سید حسن حمادی رحمته الله به حدی در تمام عرصه های این دعوت مبارک حضور داشت که حتی مخالفان تصویر او را به عنوان تصویر سید احمدالحسن یمانی رحمته الله منتشر می کردند!

حتی سعی داشتند با انتشار کلیپ های تقطیع شده ای در زمان زندانی شدنش او را جدا شده از سید احمدالحسن یمانی رحمته الله جلوه دهند!

اما او همچون کوه ایستاده بود. پیرمردی که مانند جوانان سینه سپر می کرد و با همان لبخند همیشگی اش مؤمنان را به تبلیغ و یاری دعوت حق سوق می داد. قاطعیت و استواری او در عمل باعث شد تا دشمنان حجت خدا به فتوای علمای بی عمل عراق راهی جز

شیخ ناظم العقیلی:

فقید درگذشته ما، طاهر مقدس، دلیر شجاع، عالم عارف، سید حسن حمادی -رحمت خدا بر او- واقعاً به درستی از مجاهدان در راه خدا و از عاملان و از شکیبایان در یاری خدا بود، که برای ارائه بالاترین حد یاری در راه خداوند سبحان و در پیشگاه قائم آل محمد، به بهترین وجه تلاش داشت.

(گروه «الدعوة المهدویه»، مرداد ۱۴۰۰)

تعریف کنم که مربوط به دعوت و مسیری است که با هم پیمودیم و شاهد آن‌ها بودم؛ از جمله آن قضایا که خاطرم هست، صیحه‌ای بود که در ناصریه اتفاق افتاد که در استان ذی قار در جنوب عراق واقع است و سید حسن حمامی هم از اولین عمل‌کنندگان در آن صیحه بود. شاید برای کسی سؤال پیش آید صیحه چیست؟ صیحه یعنی همان راهپیمایی تبلیغی که انصار را جمع می‌کردیم و می‌رفتیم تبلیغ می‌کردیم. امام علیه السلام به این کار راهپیمایی نمی‌گفت، بلکه آن را صیحه می‌نامید. سبحان الله، آن صیحه را همه می‌شنیدند، کسی نبود که بگوید نشنیدم. نزدیکان و دوستان و آشنایان ما در آن زمان در ناصریه زندگی می‌کردند و من اصالتاً اهل ناصریه هستم. به خدا قسم یادم می‌آید آن کسی که میکروفون و بلندگو را گرفته بود، سید حسن حمامی بود که مردم را به نصرت و یاری قائم آل محمد دعوت می‌کرد و شروع جملاتش با این کلمه بود: یا ایها الناس؛ یعنی ای مردم، قائم آل محمد را یاری کنید و آن کلامی را که امام علیه السلام فرموده بود از طریق بلندگو می‌خواند.

یادم هست بعضی از نزدیکانم در منطقه‌ای دیگر خارج از ناصریه زندگی می‌کردند، همه آن‌ها صدای سید حسن حمامی را شنیده بودند؛ یعنی ما که در منطقه‌ای به نام اصلاح یا صالحیه بودیم، الآن دقیق یادم نیست و نزدیکان ما در منطقه‌ای به نام کوچه اور بودند که تا مکان ما مسافت زیادی هم داشت و هنوز ما به کوچه اور نرسیده بودیم، اما آن کسانی که در حی اور بودند صدای سید حسن را شنیده بودند.

خاطرم هست دایی‌هایم (خانواده مادری‌ام) که در آنجا ساکن بودند گفتند ما صدایی شنیدیم که شخصی ندا می‌داد: سید احمدالحسن همان یمانی است، بلکه حتی عجیب‌تر از آن اشخاصی که خواب بودند رؤیا دیدند و صدای سید حسن حمامی را در رؤیا شنیدند. به خدا قسم، در رؤیا خیلی‌ها از خواب پریدند و وقتی بیدار شدند گفتند که شخصی اسم سید احمدالحسن را صدا می‌زد و ما از آن صدا بیدار شدیم و واقعاً یک صیحه بود. صیحه ملکوتی همان گونه که امام احمدالحسن علیه السلام

اما امر از آن خداست و آن را به انجام می‌رساند. خدا رحمت کند ابامرتضی، عزیزم ابومرتضی، ما به پایان راه رسیدیم، ولی تو زودتر راحت شدی. سلام خداوند بر تو در روزی که به دنیا آمدی و روزی که خداوند تو را به سوی خودش باز پس گرفت و روزی که زنده مبعوث می‌شوی. گواهی و شهادت می‌دهم که تو همراه با انبیا و مرسلین و صدیقین هستی و آن‌ها بهترین رفیق هستند...» (۱)

پایان سخن

اهمیت تبلیغ

سید حسن حمامی علیه السلام با وجود آن رنج و سختی‌های مسیر ایمانش و بیماری‌های جسمی‌ای که داشت، تمام فکر و ذکرش یاری فرستاده امام مهدی علیه السلام و تبلیغ برای احیای دین الهی بود.

او همچون پدری مهربان با سخنان گهربار خود به مؤمنان انگیزه می‌داد و تنها چیزی که او را ناراحت و معذب می‌کرد توقف تبلیغ و عمل در میان انصار بود.

سید حسن حمامی علیه السلام می‌فرمود:

«اخباری به ما می‌رسد که دور هم جمع شدن، بین شما رایج است و تبلیغ تقریباً خوابیده، اگر [نگوییم] کاملاً خوابیده...»

شده برای تبلیغ درب خانه‌ها را بکوبید و دعوت را برسانید حتی اگر به شما بگویند دیوانه؛ اما شما در بین اهل آسمان، عقلاً هستید.

این‌طور می‌بینم... و از خدا می‌خواهم که با حسن توفیق و عافیت، بر ما و شما منت گذارد ...» (۲)

سخنان انصار مقرب سید حسن علیه السلام در وصف ایشان

برای شناخت بیشتر این شخصیت مقدس به ناچار باید به نزدیکان و انصار همراه او رجوع کنیم تا فداکاری‌های او بیشتر برای ما جلوه کند.

برادر بدر البدری برای توصیف سید طاهر مقدس در گروه «الدعوة المهدویه» فرمودند:

«می‌خواهم برای شما قضایایی از سید حسن حمامی

سید احمد الحسن علیه السلام

سید حسن حمامی علیه السلام به خاطر من و به خاطر کلام و گفته‌های من، رنج و زحمت بسیاری را به دوش کشید و حقیقتاً این مسئله مرا همیشه و بسیار زیاد رنج می‌دهد.

(گروه «الدعوة المهدویه»، ۲۲ ذوالحجۃ ۱۴۴۲ ق)



کند. و من -پناه بر خدا از من، بازگو می کنم و آنچه را می فهمیدم بازگو می کنم- در تمام جایگاه ها، چه مناظرات، چه گفت وگوها و مأموریت های خاص، شجاعت و جرئت و نیرو و بسیاری از امور دیگر را ... از سید حسن حمادی می گرفتم. یعنی تأییدات و دعا و جرئت او برای ما عاملی بسیار قوی در رویارویی با مخالفان دعوت مبارک بود. این صورت خندان، همیشه و در سخت ترین شرایط همیشه به ما روحیه می داد با (گفتن) «جزاکم الله خیرا» «موفق باشید» «مسدد باشید» «مؤید باشید» در مناظرات یا گفت وگوها یا سخنرانی های خاص یا... ما را ستایش می کرد، به ما روحیه می داد...» (۴)

پایان سخن

دل نوشته ای خطاب به سید طاهر مقدس

آدمی تا گوهری را از دست ندهد قدرش را نمی داند؛ هرچه زمان بیشتر می گذرد حس یتیم شدن در وجودم بیشتر می شود.

می دانم در آن دنیا هم با دعا ما و امام خویش را در مسیر حاکمیت خداوند یاری می دهی. امیدوارم در صحرای محشر در کنار انبیا و مرسلین شفیع ما نزد خداوند کریم باشی.

منابع:

۱. ترجمه بیانات سید احمد الحسن (علیه السلام) به مناسبت رحلت سید حسن حمادی (علیه السلام) ۲۲ ذوالحجۃ ۱۴۴۲ق، گروه «الدعوة المهدویة»
۲. سخنان مرحوم سید طاهر مقدس، پخش شده در شبکه المنقذ.

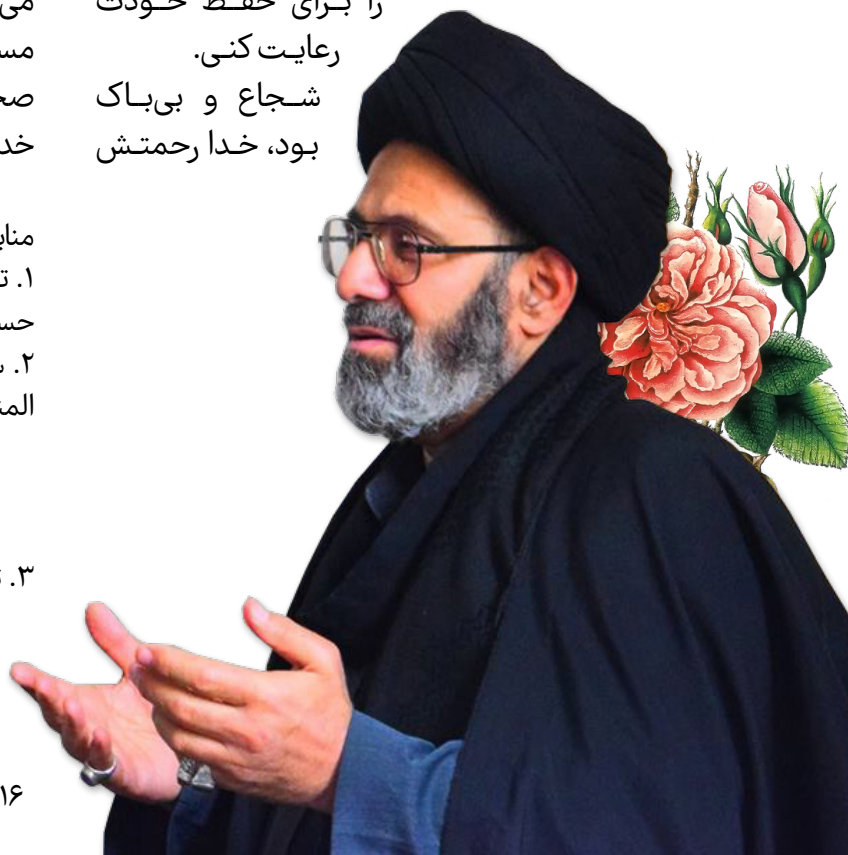


۳. ترجمه بیانات برادر برد البردی حفظه الله در توصیف سید عظیم الشان سید حسن حمادی (علیه السلام)
- ۱۲ مردادماه ۱۴۰۰، گروه فراخوان مهدوی
۴. ترجمه بیانات شیخ ناظم العقیلی (حفظه الله) با موضوع روشنگری از سیره سید حسن حمادی (علیه السلام)
- ۱۶ مردادماه ۱۴۰۰، گروه «الدعوة المهدویة»

آن را نام گذاری کرد.» (۳)

همچنین دکتر شیخ ناظم عقیلی از نمایندگان سید احمد الحسن (علیه السلام) درباره سید حسن حمادی (علیه السلام) فرمودند: چقدر بر دعوت مبارک وضعیت های سخت و موقعیت ها و هجوم ها و... پیش آمد؛ هرگز سید حسن حمادی را در موقعیت ترس -حاشا- یا دودلی یا دلهره ندیدم. همه ما از او شجاعت و نیرو و صلابت می گرفتیم. و این گواهی به این دلیل نیست که سید حسن حمادی فوت کرده؛ نه به خدا، هرگز به یاد ندارم، الان در ذهن و حافظه ام می گردم، چنان روزی به یاد نمی آورم، بلکه من و بسیاری از مؤمنان سید حسن حمادی را ملاحظه و مراقبت می کردیم که خیلی در گفتار شدید و درگیری تند نرود، هرگز، شجاعت و نیرو و صلابت و هجومش افزایش می یافت و عقب نمی رفت، مگر اینکه از او می خواستیم و خواهش می کردیم؛ تا اینکه کار به جایی رسید که موضوع را به سید احمد الحسن رساندیم و به او گفت به خاطر من، برای من، سعی کن برخی موضوعات را برای حفظ خودت رعایت کنی.

شجاع و بی باک بود، خدا رحمتش



شیخ ناظم العقیلی:

وقتی از سید حسن حمادی صحبت می کنیم -رحمت خدا بر او- در حقیقت کلمات یاری نمی کنند و کم می آورند؛ چراکه این مرد، در حقیقت مردی بزرگ و ستونی بسیار مهم از ارکان دعوت خدا و دعوت مهدوی بود، واقعاً یک رکن بود.

(گروه «الدعوة المهدویة»، مرداد ۱۴۰۰)



فضایل اخلاقی سید حسن حمامی رحمته الله علیه

البته این... همراه تقوا بود، و خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: «...هرکس شعائر خدا را بزرگ شمارد، این از تقوای قلب هاست.» انسانی با این سن و با این بیماری ها و این ضعف بدنی، اصرار داشت نماز جماعت و نماز جمعه را برپا دارد و در مجالس عزای اباعبدالله حضور پیدا کند و در مجالس مولودی امامان حضور یابد و در مکتب مبارک حاضر شود، و برای حضور در مکتب مبارک حریص بود. اما درباره خوش قلبی و سعه صدرش، این سید طاهر مقدس، سید حسن حمامی، به خاطر قلب پاک و سینه گشاده که برای همه باز بود، ممتاز بود. از نشستن با مؤمنان و گوش دادن به حرف آنان و سؤال از وضعشان و تلاش در حل مشکلات آنان، احساس کسالت یا بی حوصلگی یا ناراحتی نداشت؛ بلکه به این کار انس و عادت داشت، و وقتی بین مؤمنان حضور می یافت صورتش آرام و مسرور می شد؛ بلکه همیشه می گفت وقتی در بین مؤمنان حضور می یابم روحیه ام باز می شود و بیماری و دردم کاهش می یابد؛ می گفت این دوا و درمانم است.

خدا رحمتش کند، همیشه مؤمنان را به موجب کمی حضورشان در مکتب مبارک یا مجالس حسینی یا نماز جمعه سرزنش می کرد و دوست داشت همه انصار یا بیشتر انصار حضور یابند. به آن ها عادت و انس داشت، خدا رحمتش کند. این سعه

دعای مخصوص امام مهدی علیه السلام است. برای حضور در مجالس عزای اباعبدالله حسین و امامان دیگر بسیار جدی بود. در این مجالس بسیار باوقار بود، و در واقع شمع مجلس و شکوه و طلعت مجلس بود، خدا رحمتش کند. در مصائب اهل بیت علیهم السلام پُراشک و پُرسوز بود. در روز دهم محرم عمامه مبارکش را برمی داشت و با وجود سن بالا و بیماری های بسیار و ضعف بدنی، بیشتر وقت را سرپا می ماند و ماجرای مقتل اباعبدالله حسین و اهل بیت و اصحابش را قرائت می کرد.

بسیار نسبت به فقرا و مساکین مهربان بود، و خانواده هایی از مستمندان و یتیمان را تأمین و به آنان کمک می کرد. همیشه نسبت به طلاب فقیر حوزه علمیه که درآمد محدودی داشتند پیگیر بود و چند بار به من گفت منتظر نمی ماند که بیايند و از او درخواست کمک کنند. وقتی آنان را می دید به آنان اشاره می کرد که بیايند و از آنان در خصوص وضعیتشان می پرسید و پیگیر کار آنان بود و به لهجه عامی می گفت خرج چطوریه؟ جیت چطوریه؟ خرج خانواده چطوریه؟

و همه ما می دانستیم که چقدر برای حضور و نمازی که گاهی بیش از یک ساعت طول می کشید، رنج می بُرد. از شدت بیماری و ضعف بدنی او آگاه بودیم، اما او برای ادای این مراسم مقدس تحمل می کرد و تحمل می کرد و تحمل می کرد.

سلام و درود خداوند به صاحب اخلاق عظیم، سید حسن حمامی رحمته الله علیه درباره پدر سید احمد الحسن علیه السلام دربارۀ پدر مهربان و دلسوز این گونه می فرمایند:

«سلام و درود بر عابد عارف عالم، سید حسن حمامی در جایگاهی که او هم اکنون در آن است.

سید حسن حمامی دارای برتری و فضیلت زیاد و بسیار بزرگی بودند، و نسل های آینده حتماً باید فضیلت این مرد الهی و عابد و عارف را شناخته و بشناسانند.»

۲۲ ذی الحجه، ۱۴۴۲ق، گروه «الدعوة المهدویه»

به راستی او چه شخصیت عظیمی است که حجت خدا او را الگویی برای آیندگان معرفی می کند.

خوشا به سعادت ای سید حسن...

شیخ ناظم العقيلي (حفظه الله) در وصف سید طاهر رحمته الله علیه فرمود:

به زیارت حسین علیه السلام و مجالس حسینی علاقه مند و پرشور بود. خدا رحمتش کند، در خصوص زیارت امام حسین و مخصوصاً زیارت عاشورا مواظب بود، بعد از نمازهای جماعت زیارت امام حسین را به صورت گروهی می خواند، زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و بقیه امامان را می خواند. دعاها را می خواند و مخصوصاً دعای «اللهم کن لولیک الحجة ابن الحسن» همیشه بعد از هر نمازی این دعا را می خواند و از انصار می خواست که با او به صورت گروهی بخوانند، که در آخرش آمده «و تجعله و ذریته من الائمة الوارثین»

سید احمد الحسن علیه السلام:

هیچ گاه مایل نبوده ام هیچ کسی به خاطر من آزار ببیند، مخصوصاً «سید حسن حمامی»؛ اما امر از آن خداست و آن را به انجام می رساند.

(گروه «الدعوة المهدویه»، ۲۲ ذوالحجة ۱۴۴۲ق)



تمام شده بود، سمعاً و طاعتاً.

بسیار به احمدالحسن وابسته بود و در برابر دستورات و راهنمایی‌هایی که از سوی احمدالحسن می‌آمد تسلیم بود. و در خصوص هر وظیفه‌ای که از سوی احمدالحسن می‌آمد، هیچ رأیی نداشت (نمی‌دید) سید حسن حمami تردید نمی‌کرد و در خصوص چرایی و چگونگی و... نمی‌پرسید.

فقط با قدرت برای پیاده‌سازی امر اقدام می‌کرد و مواظب بود که اوامر و راهنمایی‌های سید احمدالحسن اجرا شود.

سید حسن حمami بسیار تمیز بود، پاکیزه، متنسک، دائم‌الوضو، دائم‌الطهارة، دائم‌الذکر برای خداوند سبحانه و تعالی؛ ذکر خدا و اهل بیت و ذکر محمد و آل محمد از زبانش نمی‌افتاد و این را همه مؤمنان که سید حسن حمami را دیده‌اند، ملاحظه می‌کردند. حقیقتاً سید حسن حمami از کسانی بود که یادآور به «ایام الله» می‌شد.

حتی زمانی که با او در یکی از زندان‌های ظالمان بودیم. ایام زمستان بسیار سرد بود و چیزی یافت نمی‌شد که بدن‌هایمان را گرم کنیم. باوجود شدت این سرما، هرگاه نیمه‌های شب بیدار می‌شدم این سید الهی را می‌دیدم که برای پروردگارش نماز می‌خواند و کسی را مانند این مرد الهی، با این همه ذکر و دعا و زاری به درگاه خدا در تمام اوقاتش، ندیدم. ۲۷ ذی‌الحجه، سال ۱۴۴۲ق، گروه «الدعوة

او را به بیمارستان منتقل کردیم، طوری بود که گویا از عوارض مربوط به مرگ رنج می‌برد و خیلی در رنج بود... از من می‌پرسید: پدر چطوره؟ همین طور از برادر مرحوم مرتضی عقیلی می‌پرسید.

از پذیرفتن نصیحت تکبر نمی‌ورزید، حتی از کودکان و از انصار با سن و سال‌های مختلف که حضور داشتند.

در خصوص اطاعت از احمدالحسن، حتی اگر خلاف نظرش پیش می‌آمد، یا چنین موضوعی، همین که صحبت احمدالحسن می‌شد موضوع تمام بود؛ موضوع از نظر سید حسن حمami

صدر به گونه‌ای بود که بیشتر وقت‌ها به او نگاه می‌کردم و به حال او غبطه می‌خوردم که چقدر سعه صدر دارد که به هر کدام از انصار سلام می‌کند و از حالش می‌پرسد و با او صحبت می‌کند و...

تمام کسانی که در رسانه‌های ارتباط جمعی با او در ارتباط بودند هر صبح برایشان پیام می‌آمد: «صبحکم الله بالخیر» «صبحکم الله بالعافیه» و اگر جمعه بود «جمعه مبارکه» و تهنیت و تبریک؛ همه انصار شاهد این موضوع هستند.

خدا رحمتش کند، سرآمد در اخلاق، سرآمد در سرشت، سرآمد در سعه صدر، سرآمد در مدارا با مردم بود، و حتی وقتی که از شخص خاصی یا از یک موضع خاصی دلخور بود، به چه آسانی عذرخواهی را می‌پذیرفت و از این دلخوری می‌گذشت. **تواضع او به شکلی بود که کسی که با سید حسن حمami همراه بود، می‌دید در رفتار و شخصیتش نسبت به کودک و جوان و پیر تفاوتی نیست. رفتاری که با کودک دو یا سه یا چهار**

یا پنج ساله داشت، همان

رفتار و توجه با جوان را

داشت و تمام انصار

شاهد این موضوع

هستند و با طالب

حوزه و بقال و

کشاورز همین طور؛

یعنی اصلاً تفاوتی

نمی‌گذاشت.

یادم می‌آید تقریباً

سه روز قبل از

اینکه فوت کند



شیخ ناظم العقیلي:

هرگز سید حسن حمami را در موقعیت ترس -حاشا- یا دودلی یا دلهره ندیدم. همه ما از او شجاعت و نیرو و صلابت می‌گرفتیم.

(گروه «الدعوة المهدویه»، مرداد ۱۴۰۰)



المهدویه»

آری، این همه فضایل برای یک انسان است. آن هم انسانی که در حقیقت همه وجود و عمر خودش را خرج حجت خدا کرد. گویی درک کرده بود از کجا آمده و به کجا خواهد گشت. و این مرد شجاع و بسیار مهربان (خداوند رحمتش کند) در خطبه روز اربعین سال ۹۶ فرمودند:

«از خدا می‌خواهیم مکارم اخلاق را روزی ما کند تا همراه اولیای الهی سیر کنیم و وارد بهشتشان شویم.

بین خودتان با رحمت و مهربانی حقیقی همکاری و تعامل کنید. نه اینکه در ظاهر با برادرم مهربان باشم و در غیابش غیبتش را کنم. نه نباید این‌طور باشد.

باید با مهربانی و رحمتی باشد که از ایمان به خدا نشئت گرفته است؛ چراکه تو اکنون به دعوت حق و خداوند سبحان ایمان داری و این دعوت حق به توحید، دعوت می‌کند.» ایشان در ادامه، کلام امام علیه السلام را بیان کردند:

«از ریا دوری کنید، ریا عمل شما را نابود می‌کند و خودبینی و اینکه بگویید من از تو عالم‌ترم و بهتر از تو می‌دانم و لجاجت کردن و این خودبینی‌ها اصلاً خوب نیست و دوری کنید از حب و جاه‌طلبی و دروغ‌گویی و فخر فروشی و حرص ورزی.»

(بیانیه نصیحتی به انصار، ۲۵ شوال ۱۴۲۶ق)

بله کلامی که از اهل بیت علیهم السلام باشد مأیوس‌کننده نیست. بدان ای مؤمن متقی افزایش علوم لازم است. صبر کنید همان صبر است؛ ولی صبر

پیشه کنید یعنی اینکه بیشتر صبور باشید. صبر کنید و صبر پیشه کنید و با هم ارتباط برقرار کنید.

به‌راستی که تو در دستان امام یک رابط هستی؛ پس سلاح را حمل کن؛ سلاح علم، سلاح تقوا، صبر و علم، تقوا و اخلاق.

درست است که من تقوا را به کار می‌گیرم و به محرمات نزدیک نمی‌شوم؛ ولی باید همراه ولی‌ام باشم (تا تقوای من کامل باشد).

از شما می‌خواهیم همانند

احمد الحسن علیه السلام باشید.

از شما می‌خواهیم همان‌طور شبیه سوره بسمله در قرآن باشید که در همه حال احمد الحسن علیه السلام را در چشمان خودتان ببینید و حب و بیعت ایشان در قلبتان باشد.

پاینده و برقرار باشید و در هیچ حالی از موضع خودتان کناره نگیرید... ای مؤمنان بین مردم سازش دهید. و بین شما دشمنی و دعوا و غیره نباشد...

و از خدا می‌خواهیم که بین مؤمنین به دعوت حق چنین مسائلی نباشد. بین مردم سازش دهید و سخن زیبا را از کسی برای دشمنش بازگو کنید. اگر می‌خواهی اصلاح کنی سخن زیبا و درست را بازگو کن؛ مثلاً آقا دوست است، پشیمان است، می‌گوید دو سه روزی است که با هم صحبت نکردیم. این سخت است که خصومت کسی با برادرش بیش از سه روز طول بکشد.

بین روح‌ها پیوند برقرار کن؛ و وسیله نزدیک شدن دل‌ها باش در زمینه نیکی و ارتباط و فرو خوردن خشم و گذشت از مردم.

از خودت شروع کن و چهره‌ات را در برابر مردم باز کن و خوبی‌های آنان را بیان کن و از بدی‌های آنان بگذر و طعنه و عیب‌جویی خودداری کن و دل و زبانت پاک باشد. توجهت به عیب‌های خودت باشد.

پس برادران گرامی از خدا می‌خواهیم که پس از اینکه خودمان و صفحات وجودمان را اصلاح کردیم، اصلاح‌کننده بین مردم باشیم تا در نزد خدا پسندیده باشیم.

خدایا ما را طوری قرار بده که سخن زیبا را بین برادرانمان بازگو کنیم و بین روح‌های آنان پیوند برقرار کنیم و وسیله نزدیک شدن دل‌های آنان باشیم. خدایا با نیکی و ارتباط و فرو خوردن خشم و گذشت از مردم دلم را پاک گردان. خدایا ما را دارای اخلاق نیکو با گشادگی چهره قرار ده. صبح چهره‌ات گشاده باشد خوش آمد بگو چهره‌ات گرفته نباشد؛ حتی اگر مشکل داری آن‌ها را در برابر برادرت در چهره‌ات آشکار مکن تا او را در نگرانی‌ات شریک نکنی.

امام علیه السلام می‌فرماید:

او را فقط در خوشبختی شریک کن. خدایا ما را طوری قرار ده خوبی‌های برادرانمان را بیان کنیم و از بدی‌های آنان بگذریم و آنان را جز به نیکی یاد نکنیم.

تا اینکه از طعنه و عیب‌جویی به دور باشیم این طعنه و عیب‌جویی که هر که از تو سخن چینی کرد تو هم از او سخن چینی کنی این دیگر در قرآن لعنت شده. (طعنه‌زن و رونده برای سخن چینی)

سید حسن حمami رحمته الله:

امام یمانی موعود که از آل محمد علیهم السلام است، در میان ما صدا می‌زند و فریاد می‌زند و از ما درخواست یاری می‌کند. آیا یاریگری، برای آل محمد علیهم السلام هست؟! (خطبه نماز جمعه به امامت سید حسن حمami، ۴/۱/۲۰۱۹)



عابد عارف خواهیم کرد.

سید احمد الحسن علیه السلام:

«سلام خدا بر تو بر روزی که به دنیا
آمدی و روزی که خداوند تو را به سوی
خودش باز پس گرفت و روزی که زنده
مبعوث می شوی.

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.»

۲۲ ذی الحجه، ۱۴۴۲ق، گروه «الدعوة

المهدویه»

وامی دارد.

به راستی که زنده بودن باعث حرکت
و جنبش و بیداری مردم نسبت به
حقیقت شده بود و حتی با مرگ هم
باعث بیداری و زنده شدن قلب های
خفته شدی.

حقیقتاً بندگی کردن و یاری حجت خدا
را با زندگی و مرگت به همگان اثبات
کردی.

در پایان، کلام مولایمان را نثار شما مرد

خدایا ما را دارای دل و زبان پاک قرار
ده. خدایا ما را به عیب های خودمان
مشغول کن و آنان را برای ما اصلاح
فرما.

ای پروردگار جهانیان، آمین رب العالمین
آه ای سید حسن... کاش بیشتر قدر
لحظات بودن را می دانستیم. گویا
با رفتنت دیگر جای خالی شما پر
نمی شود. کلام گهربار شما که سراسر
الگو و فضیلت است ما را به تکاپو



دکتر توفیق مسرور مغربی:

سید طاهر هرچیزگران بها و ناب را برای امام و خاندان محمد علیه السلام ایثار کرد و برای حمایت از دین از
هیچ چیزی دریغ نکرد.

(گروه فراخوان مهدوی ۲ اوت ۲۰۲۱)



علمای میدان عمل

این علما هستند که نماینده مردم نزد خدا خواهند بود. این علما هستند که حامل پیام‌های رسالت‌های الهی می‌توانند باشند؛ به همین خاطر است که روایات اهل بیت علیهم‌السلام بر احترام به عالمان دین و دوری از تحقیر و توهین به آن‌ها تأکید فراوان کرده‌اند.

امام علی علیه‌السلام در خصوص تکریم علما می‌فرماید: «مَنْ وَقَرَ عَالِماً وَقَرَّ رَجُلَهُ» «کسی که عالمی را گرمی بدارد و تعظیم نماید، پروردگارش را گرمی و بزرگ داشته است.» غررالحکم، ۸۷۰۴

با نگاهی گذرا به تاریخ علما در طول تاریخ درمی‌یابیم که چگونه عمر شریف خود را وقف دفاع از حقیقت کرده و چه بسا جان خود را در این راه از دست داده‌اند. تاریخ مناظرات کسانی چون هشام بن حکم را هر روز در گوش زمان نجوا می‌کند؛ کسی که پاسدار ولایت اهل بیت بود.

تقوا، شجاعت، ورع، اطاعت، عالم‌بودن از جمله اخلاقی است که این افراد را به درجه‌ای از معرفت رسانده بود که معنی زندگی را تنها دفاع از ولایت می‌دانستند.

در بحبوحه فتنه‌ای چون حکمیت است که کسانی همچون مالک و عمار فریب حقه‌های عمرو عاص را نخوردند و در رکاب علی شمشیر زدند؛ اما کسانی که سطحی‌نگر بودند و از دین تنها ظاهر را می‌دانستند علیه علی خروج کردند و چوب کج فهمی خود را خوردند! امام علی علیه‌السلام خطاب به کمیل می‌فرماید:

«**گروه اول**، علما و دانشمندان الهی هستند که مربی مردم‌اند (دانشمندانی که هم خود راه حقیقت را طی می‌کنند و هم دیگران را راهنمون هستند).

دوم: کسانی که خود فاقد دانش‌اند؛ ولی در سایه نور دانش دانشمندان حرکت می‌کنند و در پی تحصیل علم هستند.

علمی که تورابه حقیقت نرساند توهمی بیش نیست!
خداوند می‌فرماید: ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر، ۹)

مکتب اسلام شروع حرکت را با «اقرء» آغاز کرد و علم در دعوت پیامبر چنان جایگاهی داشت که واژه علم و مشتقات آن حکایت از عقلانیت دین مبین اسلام دارد. علما در اسلام از چنان مقام شامخی برخوردار هستند و با اوصافی متعالی ستوده شده‌اند که در مقابل مسئولیت علما در خصوص خدمت به دین و توجه به هدایت مردم و عمل به علم را دوچندان خواهد کرد.

با توجه به فرهنگ قرآنی اهل بیت علیهم‌السلام علمای الهی با عمل بودند که توانستند مردم را از ظلمات به نور هدایت کرده و حقیقت دین اسلام را به همه بیاموزند.

در همه برهه‌های زندگی ائمه شاخصه شناخت، نقشی اساسی در همه موضوع‌گیرهای آن‌ها بازی می‌کرد. هیچ‌وقت راه شناخت را حتی برای دشمنان قسم‌خورده اسلام نمی‌بستند، شاید کسی هدایت شود!

فضیلت عالم از نظر قرآن کریم

آیات زیادی هستند که علما را ارج نهاده از آن‌ها تجلیل می‌کند.

﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (مجادله، ۱۱)، (خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده‌اند و دانشمندان را با درجاتی برتری دهد).

﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾، (آیا صاحبان علم و دانش با آنان که نمی‌دانند یکسان هستند؟! (زمر، ۹) علم حفاصل برتری انسان‌ها نسبت به همدیگر است؛ البته علمی که انسان را به جایگاه شناخت و معرفت برساند.

سید حسن حمایمی رحمته‌الله:

می‌خواهیم مردم را به بازگشت به سوی امام علیه‌السلام یادآوری کنیم. مردم در سرگردانی و آزمایش هستند. و از امام، سرگردان شدند. حق امام، بین ایشان روشن است...

(خطبه نماز جمعه به امامت سید حسن حمایمی، ۴/۱/۲۰۱۹)

«برادرم و عزیزم و دوستم که مرا در این راه مملوء از مشکلات همراهی کرد.

یکه تازی شجاع که بی رحمی طاغوتیان را تحمل کرد؛
بهترین یاور و مدافع محمد و آل محمد، سید جلیل پاک
و مقدس حسن حمای...»

سید حسن کسی بود که یمانی آل محمد به خاطر فقدان
ایشان فرموده که هزار سال پیرتر شدم!
اخلاص در عمل، دقیق کار کردن، سکوت حکیمانه، پیگیری
مستمر آن هم علی رغم همه مشکلات جسمی که داشت
لحظه ای را برای یاری رساندن به خلیفه زمان خود از دست
ندادند. ﴿اَشْدَّاءَ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءُ بَيْنَهُمْ﴾ را در عمل تفسیر
کرد.

توصیه های همیشگی ایشان به انصار جهت یاری رساندن
به قائم آل محمد حکایت از ایمان راسخ و شناخت عمیق
ایشان از شاخص های دعوت و یمانی موعود داشت.
ایشان نمونه بارز یک نمونه ایمانی و انسانی در جامعه ما
بود. چنان عزم و اراده ای برگرفته از نور حقیقت داشت که
در زندگی خود توانست به این جایگاه رفیع برسد. با این
شناخت، شایستگی مسئولیت مدیریت مکتب شریف امام
را بر عهده گرفتند و در کنار سه یار پاکبخته به رتق و فتق
امور پرداختند.

سراغ نداریم که ایشان لحظه ای در یاری رساندن به امام
درنگ کرده باشند.

سید حسن حمای در همه موضع گیری های شان شجاع و
مدبر بودند و خود را وقف امام کرده بودند. وقتی با حسرت
و اندوه فقدان زود هنگام وی را به سوگ می نشینیم به
خاطر این است که پدری دلسوز و انسانی خردمند و عالمی
عامل و عادل را از دست داده ایم.
سخن آخر اینکه:

علم نوری است که خداوند تبارک و تعالی در قلب هر که
اراده کند می تاباند تا به وسیله آن هدایت شود. علم در
واقع توفیقی است که خداوند در قبال اخلاص به بنده
نازل می کند.

وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَهِ وَيَوْمَ تُوُفِّيَ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

به قلم: سید علاء علوی

سوم: انسان های احمقی که نه خود راه را می دانند و نه
از رهروان، راه را می پرسند. آدم های احمق بی سر و پایی
که نه خود عالم اند و نه بر علم عالم تکیه می زنند!
(نهج البلاغه، کلمات قصار، کلمه ۱۴۷)

این تقسیم بندی یکی از عالی ترین نگرش ها به جامعه با
بصیرت و جایگاه علم و عمل و علما دارد.

طبیعتاً در دوره های مختلف تاریخ اسلامی علمای شیعه در
مبارزات خود جهت حفظ جامعه از دچار شدن به انحراف
و منزوی شدن مذهب و تبدیل شدن آن به پاره ای اعمال
عبادی و حاشیه ای نشان از عظمت علمای بابصیرت دارد.
اهمیت و ارزش علما هنگامی نمایان می شود که جامعه
را فتنه های اعتقادی احاطه کرده و اکثریت جامعه توانایی
پاسخ به شبهات ایراد شده را نداشته، سخت درگیر آن شده
باشند؛ این علمای باعمل هستند که باید ریسمان دانش
را به دست مردم سپرده آن ها را از گرداب انحراف نجات
دهند.

در زمان غیبت، علمای زیادی بودند که استمرار تشیع
علی رغم همه تبلیغات و دشمنی ها مدیون جان فشانی
آن ها بوده است. از طرفی این علما در جبهه خطرناک تری
به مبارزه پرداختند، جنگ و مبارزه با علمای غیر عاملی که
بسان گرگی در پوستین گوسفند به مذهب ضربه زدند.

در زمان حاضر متأسفانه علمای بی عمل حقیقت خود
را هنگامی که سید احمد الحسن (علیه السلام) دعوت خویش را آغاز
نمودند آشکار کردند و با تمام توان در مقابل وی ایستادند و
مردم را از پیوستن به خیل یاران ایشان بازداشتند.

اما کسی مانند عالم وارسته و عارف دلباخته، سید حسن
حمای طاهر و مقدس در بدترین شرایط ممکن که
دشمنان دعوت به وجود آورده بودند همه محاسبات و
ملاحظات مادی را دور انداختند و به دعوت یمانی مبارک
ایمان آوردند و چقدر در این راستا رنج کشیدند و دم
برنیاوردند؛ بلکه روز به روز بر ایمان ایشان افزوده می شد.
دلگرمی سید احمد الحسن به کسی مانند وی بود. پدری
مهربان و مدیری مسئولیت پذیر و به جرئت می توان گفت
جای خالی امام را به شکل عجیبی پر کرده بود!

لذا می بینیم سید احمد الحسن چنان در سوگ فقدان او
غمگین و متألم شده بود که این گونه احساسات خود را
نسبت به ایشان ابراز داشتند:

سید حسن حمای (علیه السلام):

اجتماع از قلب هاست؛ اجتماع از قلب ها شروع می شود، و ارواح به غیر از ابدان است؛ چنانچه
درباره هر خیر و حقیقتی بر حسب اخلاص شخص، از جهت بالا نازل می شود و این توفیق اوست.

سید حسن حمامی در نگاه شیخ ناظم العقیلی

سید احمدالحسن سلام کرد، به روشی بی سابقه و نامتعارف نزد تمام مؤمنان و انصاری که به سید احمدالحسن ایمان آورده بودند.

هنگامی که خواست دست امام را ببوسد

بعد از اینکه خواست با احمدالحسن خداحافظی کند و برود، اصرار نمود که دست سید احمدالحسن را ببوسد. این را یاد دارم و سید احمدالحسن به شدت خودداری کرده و دستش را پس کشید. سید حسن حمامی مجدداً اصرار کرد که دست سید احمدالحسن را ببوسد و سید احمدالحسن را قسم داد که بگذارد دستش را ببوسد... هنگامی که کار به این اصرار شدید کشید، سید احمدالحسن به او فرمود اجازه بوسیدن دستم را می دهم اما به یک شرط. سید حمامی پرسید: به چه شرطی؟ امام فرمود به این شرط که تو هم اجازه دهی که دستت را ببوسم! در این حال، سید حسن حمامی عقب رفت و با سید احمدالحسن خداحافظی نمود و [در نتیجه] سید احمدالحسن اجازه نداد وی دستش را ببوسد.

اهتمام به حضور در مکتب و نماز جمعه و نماز جماعت و مجالس مناسبت های مذهبی

درباره نماز جمعه و جماعت نیز باید گفت که سید حمامی به ادای نماز

حمامی را به خانه سید احمدالحسن آوردند که در کنار مسجد سهله بود، و واقعاً کاری کرد که قبلاً هیچ کسی نکرده بود. هیچ یک از مؤمنان این کار را نکرده بود، در آن زمان غافل گیر شدیم؛ اما ایشان واقعاً عارف بود و می فهمید که با چه کسی صحبت می کند؛ می فهمید که با یکی از حجت های خدا صحبت می کند. سید حسن حمامی از در وارد شد و با عباراتی سلام نمود که در آغاز زیارت جامعه است، که یکی از اصحاب امام زین العابدین یعنی «موسی بن عبدالله نخعی» گفت ای پسر رسول خدا، عبارتی رسا و کامل به من یاد بده که هرگاه یکی از شما اهل بیت را زیارت می کنم آن را بگویم؛ پس امام علیه السلام فرمود وقتی به در رسیدی، بایست و شهادتین را بگو و الی آخر... و سید حسن حمامی در اولین دیداری که با سید احمدالحسن داشت، در چهارچوب درپ اتاقی که سید احمدالحسن نشسته بود، این کلام را گفت: (السلام علیکم یا اهل بیت النبوة) این چیزی است که به یاد دارم و سید طالب صافی هم این موضوع را تأیید کرد. سید حسن حمامی دستش را روی سینه اش گذاشت و ایستاد و گفت:

السلام علیکم یا اهل بیت النبوة و معدن الرساله و مختلف الملائکه و مهبط الوحی و معدن الرحمة و خزان العلم... الی آخر. به این صورت به

ادب و احترام در سلام دادن به قائم آل محمد

چنان که سید احمدالحسن علیه السلام [در صحبت های خود راجع به سید حسن حمامی] فرمود روزی شیخ حازم مختار خدا توفیقش دهد به ایشان گفت که سید حسن حمامی می خواهد ایشان را ببیند. سید طالب صافی (خدا توفیقش دهد) می گوید من و حسین جبوری ابوسجاد (خدا توفیقش دهد) پیش سید حسن حمامی رفتیم. می گوید وقتی که نزد ایشان رسیدیم و وارد شدیم و سلام کردیم، رو به ما کرده و گفت من بوی یوسف علیه السلام را استشمام می کنم. واقعاً عارف بود. «من بوی یوسف علیه السلام را استشمام می کنم». مهم اینکه آن ها به او نگفتند که سید احمدالحسن به خاطر مسائل امنیتی ما را پیش شما فرستاده و ... این را نگفتند، بلکه به او گفتند ما کار خاصی با شما داریم، با ما بیایید... همین. پس از آنکه دیدار انجام شد از او پرسیدند در ابتدا از کجا فهمیدی که سید احمدالحسن علیه السلام می خواهد شما را ببیند؟ به آن ها گفت وقتی مقابل آینه وضو می گرفتم چهره سید احمدالحسن را در آینه دیدم و فهمیدم که به زودی با سید احمدالحسن دیدار می کنم این را چند بار از خود سید حسن حمامی هم شنیدم (رحمت خدا بر او باد). به هر حال، در آن زمان سید حسن

سید حسن حمامی علیه السلام:

ای مردم! به سوی آل محمد علیهم السلام بازگردید. ایشان برای شما کشتی های نجات هستند از طوفان فساد و فتنه ها و ستمی که در آن قرار دارید.

(خطبه نماز جمعه به امامت سید حسن حمامی، ۴/۱/۲۰۱۹)

چند طلبه حوزه را دیدم که چقدر به سید حسن حمای وابسته بودند و به یاد دارم روزی که از حسینیهای که در محله انصار بود - حسینیهای یاران امام مهدی - با موکبی از انصار پیاده به زیارت امیرالمؤمنین می رفتیم و سید حسن حمای با ما بود. وقتی می رفتیم برخی از طلاب حوزه علمیه آمدند و برخی از آنان با سید حسن حمای در راه رفتن همراه شدند و با ایشان با شوق و اشتیاق صحبت می کردند، و طوری وابسته بودند که گویا سید حسن حمای پدرشان است؛ و طلاب حوزه علمیه که سید حسن حمای به آنها کمک می کرد، بعد از ایمان او به دعوت مبارک، همان طور او را دوست داشتند.

و در پایان سخن، می گویم سلام بر سید حسن حمای روزی که به دنیا آمد و روزی که به دعوت مبارک ایمان آورد و روزی که وفات یافت و روزی که زنده برانگیخته شود و روزی که خدا ما را با خیر و عافیت با او ان شاء الله گرد هم آورد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

گزیده ای از بیانات شیخ ناظم عقیلی در گروه «الدعوة المهدویه»، ۱۶ مرداد ماه ۱۴۰۰



و چند بار به من می گفت که منتظر نمی ماند که بیایند و از او درخواست کمک کنند، وقتی که آنان را می دید به آنان اشاره می کرد که بیایند و از آنان در خصوص وضعیتشان می پرسید و جویای احوالشان می شد و به لهجه عامی می گفت خرجت چطوریه؟ جیت چطوریه؟ خرج خانواده چطوریه؟ می گفت به آنان مبالغ مالی برای کمک به وضعیت معیشتشان می دادم. در حوزه علمیه محبوب عموم طلاب و شخصیت های حوزوی بود و در واقع پس از اینکه ایمان آورد،

جماعت و نماز جمعه و خطبه جمعه حریص و دارای اهتمام بود و همه ما می دانستیم که چقدر برای حضور و برای نمازی که گاهی بیش از یک ساعت طول می کشید، رنج می کشید. از شدت بیماری و ضعف بدنی او آگاه بودیم، اما او برای ادای این شعائر مقدس تحمل می کرد و تحمل می کرد... و طبیعتاً این از تقواست؛ خداوند سبحانه و تعالی می فرماید: (...هرکس شعائر خدا را بزرگ شمارد، این از تقوای قلب هاست).

﴿ذَلِكَ وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾ (حج، ۳۲)

تصادفی نیست که انسانی با این سن و با این بیماری ها و این ضعف بدنی اصرار داشته باشد که نماز جماعت و نماز جمعه را برپا دارد و در مجالس عزای اباعبدالله حضور پیدا کند و در مجالس ولادت امامان حضور یابد و در مکتب مبارک حاضر شود، و برای حضور در مکتب مبارک حرص بورزد.

توجه و رسیدگی به نیازمندان

سید حسن حمای نسبت به فقرا و نیازمندان بسیار رحیم و مهربان بود.

خانواده هایی از زنان بی سرپرست و یتیمان را تأمین و به آنان کمک می کرد. همیشه جویای حال طلاب فقیر حوزه علمیه که درآمد محدودی داشتند بود



سید احمد الحسن (عليه السلام)

سید حسن حمای، دارای برتری و فضیلت زیاد و بسیار بزرگی بودند، و نسل های آینده حتماً باید فضیلت این مرد الهی و عابد و عارف را شناخته و بشناساند.

(گروه «الدعوة المهدویه»، ۲۲ ذوالحجۃ ۱۴۴۲ق)





غلام منتظر احمد الحسن

**بی درنگ در را به روی وی گشود
و گفت منتظرت بودم...**

«او از من ادله مطالبه نکرد و درباره ادله [دعوت] سوالی نپرسید، و در هیچ چیزی اشکالی وارد نکرد؛ بلکه پشت سر هم بر محمد و آل محمد صلوات می فرستاد و می گفت: من از مدت ها پیش منتظرت بودم. حمد و ستایش خدایی را که توفیق شناخت تو و ایمان به تو را به من داد...»

غلام منتظر احمد الحسن، بیدار و هشیار بود و وقتی که آقایش در را گوید، بی درنگ در را به روی وی گشود و گفت منتظرت بودم...

و سپس خدمت کردن به ایشان را آغاز کرد و در راه دفاع از او، و به خاطر کلام و گفتارهای وی متحمل درد و رنج بسیار شد؛ اما هرگز ذره ای از ایمان و عقیده راستینش کم نشد. سید حسن حمامی علیه السلام حقیقتاً از همان سربازان و خادمینی است که شبیه عیسی از آن ها نزد پیلطس یاد می کند و می گوید:

(...پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می بود، خادمین من جنگ می کردند تا به یهود تسلیم نشوم؛ لیکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست). یوحنا ۱۸:۳۶

خوشا به حالت ای ابومرتضی که تحقق امر عیسی و وعده شبیه عیسی شدی. سلام بر تو در روزی که به دنیا آمدی، و روزی که خداوند تو را به سوی خود باز پس گرفت، و روزی که زنده مبعوث می شوی.

(کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را افروخته بدارید. و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند که چه وقت از عروسی مراجعت کند تا هر وقت آید و در را بگوید، بی درنگ برای او باز کنند. خوشا به حال آن غلامان که آقای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. هرآینه به شما می گویم که کمر خود را بسته، ایشان را خواهد نشانید و پیش آمده، ایشان را خدمت خواهد کرد. و اگر در پاس دوم یا سوم از شب بیاید و ایشان را چنین یابد، خوشا به حال آن غلامان). انجیل لوقا، فصل ۱۲، آیات ۳۵ تا ۳۸)

یار وفادار و شجاع احمد الحسن - سید حسن حمامی - به حقیقت همان غلامی است که عیسی ع توصیه می کند: (شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می کشند...).

فرستاده عیسی مسیح در سخنانی که در توصیف فضیلت و برتری این یار باوفا بیان کردند، فرمودند:

سید احمد الحسن علیه السلام:

خدا رحمت کند ابامرتضی، عزیزم ابومرتضی، ما به پایان راه رسیدیم، ولی تو زودتر راحت شدی. سلام خداوند بر تو در روزی که به دنیا آمدی و روزی که خداوند تو را به سوی خودش باز پس گرفت و روزی که زنده مبعوث می شوی.

(گروه «الدعوة المهدویه»، ۲۲ ذوالحجۃ ۱۴۴۲ق)





سیدِ طاهر

مصدق رجعت گشته‌ای، ای سیدِ طاهر قسم
شاید که سلمانی و یا، شاید ابوذر در کرم
ما هم شهادت می‌دهیم، تا شاهد اصلی خداست
وقتی که احمد گویدت، طاهر دگر شگش کجاست
مجموعه‌ی معنا شدی، در وصف انصاریمین
مهریمانی ختم شد، چون ختم مهری برجین
محملی دارد روان تا کربلا خم می‌رود
چون که می‌داند حبیبش سوی قاتل می‌برد
در صحبت و هر خطبه‌ات، درسی نشسته بس عیان
مکتب به حق جای تو شد، ای بهترین شاگرد آن
وقتی که رفتی آسمان، مرداد را هم خیس کرد
خوش بر تو که رب الجنود، نام تو را تقدیس کرد
هر لحظه طاهر بوده‌ای، بادم به دم غسل و وضو
نور همین هر دم وضو، شد نوری اما بهر رو
پایان راه از ره رسید، تعجیل پس آخر چرا؟
پنداشتم وقت خروج، ما را تو گویی مرحبا
دعوت عزادار تو شد، عمری جداد اعلام کرد
دیگر غم تو باقی است، هجرت عزا مادام کرد